

بررسی تعداد جمعیت حاضر در غدیر

سیدجلال امام

درباره تعداد جمعیت حاضر در روی داد مهم و تاریخی غدیر خم اقوال و روایات متفاوتی وجود دارد. در این نوشتار، ضمن بررسی این روایات، تلاش شده است با ملاحظه شواهد و قراین، و با شیوه تحلیلی، در مورد جمعیت مدینه در سال‌های پایانی حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله، و نیز با بهره‌گیری از دیگر قراین تاریخی، تعداد حاضران در غدیر محاسبه شود. واژگان کلیدی: غدیر، حاضران در غدیر، مدینه، مکه، یمن، جحفه و مفترق الطرق.

مقدمه

از نگاه شیعه، غدیر مهم‌ترین روی داد تاریخی عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که طی آن بر امامت حضرت علی علیه السلام برای مسلمانان تأکید شد. از این رو شیعه به شدت به این جریان توجه داشته و هنگام بحث در مورد جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله، آن را به عنوان اساسی‌ترین دلیل برای حقانیت خود و امامت امام علی علیه السلام معرفی کرده و از آن بهره برده است.

متکلمان، محدثان و مورخان شیعه و سنی از زوایای مختلفی این مسئله را بررسی کرده‌اند؛ زمان و مکان غدیر، علت انتخاب مکان غدیر، عبارت‌ها و کلماتی که در سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و جریان‌هایی که در آن اتفاق افتاد همه به نوعی مورد کاوش قرار گرفته‌اند. اما از مباحثی که کمتر به آن توجه شده و بدون بررسی و تحلیل تاریخی از آن سخن به میان آمده «تعداد جمعیت حاضر در غدیر» است.^۱ گاه تعداد جمعیت حاضر در غدیر، در حد آمار بالایی (بیش از یک یا دو میلیون) به صدهزار نفر) ذکر می‌شود، اما به نظر می‌رسد این گزارش‌ها مبالغه‌آمیز و مبهم بوده و مشکلاتی نیز ایجاد کرده است.

در این پژوهش تلاش می‌شود ضمن توجه به اقوال مورخان، به گونه‌ای تحلیلی تعداد جمعیت حوادث پیش از جریان غدیر مورد توجه قرار گرفته و با عنایت به قراینی، مانند رشد نسبی جمعیت در سیر حوادث زمان حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله، تعداد حاضران در غدیر محاسبه شود. طبعاً ابتدا باید زمان و خصوصاً مکان غدیر بررسی شود که ارتباط تنگاتنگی با بحث جمعیت آن دارد. البته بدیهی است اگر با بررسی علمی، کاهش جمعیت حاضر در غدیر از تعداد مشهور ثابت شود هرگز این امر، تأثیری در اعتبار و اهمیت رخداد غدیر ندارد و حجیت و اعتبار آن به قوت خود باقی است. چرا که در اصل واقعه غدیر جای هیچ تردیدی نیست.

۱. از زمان ماجرای غدیر

در مورد تاریخ غدیر تقریباً اختلافی بین منابع نیست. تمامی منابع ۲ در این که این روی داد بزرگ هیجدهم ذی حجه سال دهم هجرت اتفاق افتاد، اتحاد نظر دارند.

در این جا به مناسبت، یادآوری این نکته، ضروری است که برخی منابع شیعی نوشته‌اند غدیر در روز پنجشنبه یا جمعه روی داده است. ۳ به نظر می‌رسد این امر، نوعی افزودن فضیلت برای این روز مهم است، زیرا طبق محاسبات چنین چیزی ممکن نیست. بسیاری از منابع اهل سنت ۴ و نیز شیعی، ۵ وقوف پیامبر صلی الله علیه و آله را در عرفه سال دهم، روز جمعه گزارش

کرده‌اند و بر این اساس، روز غدیر که نُه روز پس از عرفه و هجدهم ذی‌حجه است، یکشنبه خواهد بود. در میان مورخان، ابن‌کثیر به این نکته اشاره کرده است.^۶

نکته دیگر این‌که این‌گردهمایی عظیم در چه ساعتی از روز روی داده است؟

طبرسی در این باره می‌نویسد: جبریل زمانی که پنج ساعت از روز گذشته بود بر پیامبر نازل شد. ۷ فتال نیشابوری نیز گزارشی را می‌آورد و می‌نویسد: پنج ساعت از روز گذشته بود که جبرئیل پیام ابلاغ رسالت را برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آورد. ۸. ابن‌اثیر به نقل یکی از شاهدان عینی غدیر، زمان این اجتماع بزرگ را بعد از نماز ظهر گزارش کرده است. طی این گزارش ابی‌الطفیل می‌گوید: در حجه‌الوداع همراه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بودیم که هنگام ظهر دستور داد مکانی را برای نماز مهیا کنیم و خارها را بزنیم، بعد از آن، نماز خواندیم و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بعد از نماز، دست علی بن ابی‌طالب را گرفت و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه».^۹

سید بن طاووس روایتی از زبان یکی از حاضران در غدیر به این صورت نقل می‌کند: ما زمانی به غدیر رسیدیم که اگر تکه گوشتی را روی زمین می‌انداختی از شدت گرما پخته می‌شد. ۱۰ نویسنده کتاب الهدایة الکبری روایتی را از زبان امام علی علیه‌السلام نقل می‌کند که طبق آن، امام فرمود: و آن روز (غدیر) روزی بسیار گرم بود که طفل از شدت گرما پیر می‌شد. ۱۱. قاضی نعمان نیز روایتی را به این صورت به نقل از زید بن ارقم نقل کرده که هیچ روزی گرم‌تر از روز غدیر ندیده بودیم. ۱۲. بر اساس این گزارش‌ها به نظر می‌رسد که تجمع هنگام ظهر که گرم‌ترین زمان روز است، صورت گرفته است و این زمان با پنج ساعت از روز رفته، قابل جمع است. محاسبات نشان می‌دهد که غدیر در اواخر اسفندماه روی داده ۱۳ و با توجه به شرایط آب و هوایی شبه‌جزیره، این گرمای شدید کاملاً طبیعی است.

اهمیت تعیین ساعت اجتماع از این بابت است که روشن شود آیا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اختصاصاً برای ابلاغ امامت علی علیه‌السلام دستور به اجتماع داده است یا این‌که اجتماع برای نماز بوده و بعد از نماز، ایشان فرصت را مغتنم شمرده و از آن بهترین بهره را برده است. گرچه می‌توان گفت که این دو قابل جمع‌اند، زیرا زمان اجتماع، هم‌زمان با ظهر بوده، از این رو ابتدا نماز خوانده شده و بعد رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سخنرانی کرده است.

۲. مکان غدیر

شاید تصور شود بحث کردن در مورد مکان غدیر نوعی تحصیل حاصل است. اما ما از این رو به آن می‌پردازیم تا در بحث بعدی، یعنی تعداد جمعیت حاضر در غدیر، از آن بهره‌برداری کنیم. باید مشخص شود که غدیر در مسیر چه مناطقی قرار دارد و اهالی چه مناطق و چه شهرهایی در غدیر حضور داشته‌اند.

این‌که چرا به این مکان «غدیر» و چرا به آن «خم» می‌گویند برخی منابع اشاراتی دارند. یاقوت حموی، نویسنده معجم‌البلدان می‌نویسد: غدیر از غدر به معنای فریب گرفته شده است، زیرا غدیر جایی است که انسان از کنار آن عبور می‌کند و آبی در آن جا می‌بیند، اما سال بعد که می‌رود خشک و بی‌آب می‌یابد و از تشنگی می‌میرد، و به این وسیله انسان را فریب می‌دهد. ۱۴. حموی «خم» را نام چاهی از بنی‌مره ذکر کرده است. ۱۵ نیز نقلی از زمخشری دارد که «خم» نام مردی بوده است. ۱۶ هم‌چنین طبق نقل دیگری «خم» را نام چاهی می‌داند که عبدشمس آن را حفر کرده است. ۱۷.

اما این‌که غدیر در چه فاصله‌ای از مکه و در کدام سمت از این شهر واقع شده است، در منابع تاریخی بیشتر فاصله غدیر تا

جحفه گزارش شده است؛ به عبارتی از آن جا که جحفه مکان شناخته شده‌ای بوده، سعی شده است تا غدیر با جحفه شناسانده شود. یاقوت حموی هنگام معرفی منطقه جغرافیایی غدیر خم می‌نویسد:

و غدیر خم: بین مکه و المدینه، بینه و بین الجحفه میلان؛ ۱۸ غدیر بین مکه و مدینه است و تا جحفه، دو مایل ۱۹ فاصله دارد. طبرسی روایتی دارد که طبق آن، غدیر سه مایل قبل از جحفه واقع شده است. ۲۰ ابن جوزی فاصله غدیر تا جحفه را یک مایل گزارش کرده است. ۲۱ این در حالی است که سید بن طاووس می‌نویسد: مردم در جحفه توقف نمودند. ۲۲

حال باید دید جحفه کجاست؟ محقق کتاب الغارات در معرفی جحفه می‌نویسد: جحفه روستای بزرگی بوده که در مسیر مدینه به مکه واقع است و فاصله آن از مکه چهار منزل است. جحفه محل میقات اهل مصر و شام است اگر به مدینه نروند. فاصله جحفه تا مدینه شش منزل، و فاصله جحفه تا غدیر دو مایل است. ۲۳

بر اساس مشاهده‌های اخیر و بازدید از مکان غدیر روشن شده است که فاصله مکه تا جحفه با جاده کنونی حدود ۱۸۰ کیلومتر است. ۲۴ در نقشه‌های امروزی عربستان شهر رایغ کاملاً پیدا است که در کنار دریای سرخ واقع شده است. این شهر فاصله کمی با محل غدیر دارد. بر اساس گزارشی که بخشی از آن گذشت، مسجدی در این شهر قرار دارد که به مسجد غدیر مشهور است. برای اطلاع بیشتر از محل غدیر خم، به تصاویر پایانی همین نوشتار مراجعه فرمایید. نکته پایانی در این بخش این است که چرا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله غدیر را انتخاب نمود. در پاسخ این سؤال دو احتمال وجود دارد: احتمال اول، این که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از سوی خداوند مأمور بوده که در این جا رسالت خود را ابلاغ نمایند؛ به عبارت دیگر، این مکان از سوی خداوند انتخاب شده است.

احتمال دوم، که به اشتباه شهرت هم پیدا کرده و در واقع، توجیهی است بر اقدام پیامبر در انتخاب این مکان، این است که غدیر، محل تقسیم راه‌ها و به اصطلاح «مفترق الطرق» بوده و مسافران هر منطقه‌ای از این جا راه خود را جدا نموده و به شهر خود می‌رفتند. ۲۵ از این رو آخرین نقطه مسیر همراهی تمامی مردم با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، این مکان بوده و به همین دلیل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پیش از متفرق شدن مردم، مأموریت خود را ابلاغ نموده است.

البته باید بدانیم که آن روز قلمرو نفوذ اسلام شبه جزیره عربستان بود و فراتر از آن نرفته بود و عملیات موته و تبوک نیز فقط یک اولتیماتوم سیاسی و نظامی به شمار می‌آمد. هنوز مناطق عراق، شامات و مصر مسلمان نبودند. از این گذشته، با دقت نظر در وضعیت جغرافیایی غدیر چنین به دست می‌آید که غدیر یا همان جحفه اصلاً مفترق الطرق نبوده و چنین وضعیتی نداشته است. همان طور که در نقشه ملاحظه می‌شود مسیر مردم عراق از شمال شرقی مکه، مسیر مردم طائف از جنوب شرقی مکه و مسیر مردم یمن از جنوب مکه است. مسیر شمال غربی مدینه که به غدیر منتهی می‌شود تنها مسیر مردم مدینه و اطراف مدینه است. گرچه بعد از گسترش اسلام در شمال آفریقا، آن‌ها نیز از این مسیر به مکه می‌آیند و در جحفه محرم می‌شوند. در کتاب‌های فقهی در باب حج به تفصیل در این باره بحث شده است که مردم هر منطقه‌ای از کجا وارد حرم (مکه) شده و محرم می‌شوند و طبیعتاً خروج آن‌ها نیز از همان راه است. ذات عرق برای عراقی‌ها، یلملم برای یمنی‌ها، قرن‌المنازل برای طایفی‌ها و جحفه برای قبیله‌های جنوب مدینه و کسانی که نزدیک به مدینه هستند؛ ۲۶ یعنی چون مسیرها متعدد است، محل محرم شدن نیز متعدد است. در محاسبه جمعیت غدیر - همان گونه که بدان خواهیم پرداخت - باید این محاسبات جغرافیایی نیز در نظر گرفته شود تا تصور نشود مردم یمن (که در جنوب هستند) در غدیر حضور داشته‌اند.

در مورد مردم عراق نیز باید گفت در این نقشه مشخص است که مسیر عراق از ذات عرق، المره و المسلح می‌گذرد و به طرف شمال شرقی مکه می‌رود، در حالی که غدیر در شمال غربی مکه واقع شده است. آری در یک صورت می‌توان پذیرفت که مردم عراق در غدیر حضور داشته‌اند و آن این که حج‌گزاران عراقی به همراه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به غدیر آمده و از آن جا راه خود را جدا کرده باشند که در نقشه به صورت نقطه چین نشان داده شده است. اما این احتمال هم پذیرفته نیست، زیرا هیچ سندی از سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مبنی بر این که مردم عراق یا یمن وی را تا غدیر همراهی کرده باشند، وجود ندارد. در این باره بیشتر سخن خواهیم گفت. افزون بر آن چه گفته شد یادآوری این نکته، ضروری است که بیشترین جمعیت حاضر در مراسم حج، از مدینه، طائف، یمن و اهالی خود مکه بودند که فقط مسافران مدینه از راه جحفه عبور می‌کردند.

۳. تعداد جمعیت حاضر در غدیر

مهم‌ترین مسئله‌ای که ذهن نگارنده را متوجه خود کرده و این نوشتار درصدد پرداختن به آن است این است که جمعیتی که در ماجرای غدیر سال دهم هجرت در محضر پیامبر حاضر بوده و نص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مبنی بر ولایت امام علی علیه‌السلام را از زبان مبارک ایشان شنیده‌اند، چه مقدار بوده است؟

۱-۳. بررسی اجمالی روایات مختلفی که به نوعی تعداد جمعیت حاضر در غدیر را گزارش کرده‌اند:

۱-۳. هزار و سیصد نفر

کمترین جمعیتی که در این مورد گزارش شده ۱۳۰۰ نفر است. ابن شهر آشوب روایتی از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده که طبق آن، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در روز غدیر در حضور ۱۳۰۰ نفر، جمله «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» را مطرح نمود. ۲۷ متأسفانه ایشان سند روایت را نیاورده‌اند. همین روایت را مجلسی نیز آورده است. ۲۸. در تفسیر فرات کوفی نیز روایتی از عمار نقل شده که می‌گوید:

در مجلس ابن عباس بودیم و او سخنرانی می‌کرد که ابوذر بلند شد و گفت: ای مردم آیا می‌دانید که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود راست‌گوتر از ابوذر نیست؟ همه گفتند: آری. ابوذر گفت: پس بدانید که پیامبر روز غدیر که ۱۳۰۰ مرد بودیم ... فرمود: هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست، خدایا هر که علی را یاری کند یاری اش کن و هر که دشمنی کند دشمنی اش کن. در این هنگام مردی بلند شد و گفت: مبارک باد بر تو ای پسر ابی طالب. ۲۹.

در مورد دو روایت فوق باید گفت که روایت ابن شهر آشوب از امام باقر علیه‌السلامسندی ندارد تا بتوان در مورد آن قضاوت کرد، اما قولی که فرات کوفی بیان نموده با توجه به قراین درونی روایت که همانا نقل جریان مجلس ابن عباس و سخنرانی ابوذر است قابل توجه است، اگرچه محاسبات نشان می‌دهد که جمعیت غدیر بیش از ۱۳۰۰ نفر بوده‌اند. ۳۰.

۲-۱-۳. ده هزار نفر

اما دسته دیگری از روایات، تعداد ده هزار نفر را گزارش کرده‌اند. عیاشی ذیل آیه ۶۷ سوره مائده از امام صادق علیه‌السلامنقل می‌کند: من تعجب می‌کنم از این که شخص با آوردن دو شاهد حقیقش را می‌گیرد، اما علی بن ابی طالب علیه‌السلام با ده هزار شاهد حقیق ضایع شد. امام علیه‌السلام ادامه می‌دهد: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از مدینه خارج شد در حالی که پنج هزار نفر از مدینه همراه وی بودند و پنج هزار نفر هم از مکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را مشایعت کردند. ۳۱. در این روایت، تصریح شده است که پنج هزار نفر از «اهل مکه» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را تا غدیر مشایعت کردند. پذیرفتن

این که این تعداد از مکه پیامبر صلی الله علیه و آله را مشایعت کرده باشند بسیار مشکل است، زیرا:
اولاً: هیچ امری از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله مبنی بر لزوم مشایعت مردم مکه وجود ندارد؛
ثانیاً: فاصله مکه تا جحفه فاصله بسیاری است و بر فرض که مردم قصد بدرقه کردن رسول خدا را داشته‌اند مشایعت کردن تا حدود ۱۸۰ کیلومتر بسیار بعید است.

آری، چنان چه این پنج هزار نفر، اهل مکه نباشند و به گونه‌ای با تسامح بگوئیم اهالی دیگر مناطق بودند که از مکه پیامبر صلی الله علیه و آله را همراهی نمودند پذیرفتنی است. اما سؤال اینجاست این افراد از کجا آمده بودند؟
ابن شهر آشوب نیز در روایتی از امام صادق علیه السلام شاهدین غدیر را ده هزار نفر عنوان کرده است. ۳۲ علاوه بر این دو، شیخ حر عاملی نیز در روایتی قول ده هزار نفر را آورده است. ۳۳ به نظر می‌رسد این دو از عیاشی نقل نکرده‌اند، زیرا نه به عیاشی اشاره‌ای دارند، و نه به عمر بن یزید که در سلسله سند عیاشی هست، و نیز ادامه روایت را که به تفکیک جمعیت اشاره می‌کند، نیاورده‌اند و حتی شیخ حر عاملی خود اضافه می‌کند: چه بسا این ده هزار نفر همه از مدینه بوده‌اند. ۳۴ به هر حال، این دو روایت می‌توانند به گونه‌ای تأییدی برای روایت عیاشی باشند.

۳-۱-۳. دوازده هزار نفر

عیاشی روایت دیگری را ذیل آیه ۵۵ سوره مائده به نقل از صفوان جمال از امام صادق علیه السلام ذکر می‌کند و طی آن تعداد جمعیت حاضر در غدیر را دوازده هزار نفر آورده است. جالب آن که نکته پیش گفته در این روایت نیز نقل شده که امام فرمودند: جمعیت حاضر در غدیر دوازده هزار نفر بودند، ولی امیرالمؤمنین علیه السلام نتوانست حق خود را بگیرد، در حالی که یک شخص با دو شاهد می‌تواند حق خود را بازپس گیرد. ۳۵

۳-۱-۴. هفده هزار نفر

نویسنده کتاب جامع الاخبار طبق نقلی، جمعیت حاضر در غدیر را هفده هزار نفر دانسته است. وی می‌نویسد: دوازده هزار نفر از یمن و پنج هزار نفر از مدینه همراه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده‌اند. ۳۶
ما در نقد روایت عیاشی گفتیم که آمدن مکی‌ها تا غدیر وجهی ندارد و از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز امری اعلام نشده بود که ایشان را تا غدیر همراهی کنند. این نقد به وجه اولی بر این روایت وارد است، زیرا یمنی‌ها می‌بایست به طرف جنوب بروند و امری از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله وجود نداشت که ملزم باشند پیامبر صلی الله علیه و آله را تا غدیر مشایعت کنند. بنابراین، آمدن ایشان، آن هم تا فاصله ۱۸۰ کیلومتری پذیرفتنی نیست.

۳-۱-۵. شصت هزار نفر

ابن جبر در کتاب نهج الایمان می‌نویسد: «و روی ان یوم الغدیر لعلی بن ابی طالب ستون الف شاهد». ۳۷ این قول چندان پذیرفتنی نیست، زیرا اولاً: به هیچ منبع یا شخصی منسوب نیست، ثانیاً: اقوال دیگر از شهرت بیشتری برخوردارند، ثالثاً: همان طور که خواهیم گفت - از منطق نقل آمار برخوردار نیست.

۳-۱-۶. هفتاد هزار نفر

طبرسی تعداد افرادی را که همراه پیامبر صلی الله علیه و آله از مدینه و اطراف آن خارج شده‌اند، هفتاد هزار نفر ذکر کرده است. او در روایتی طولانی همراه با خطبه سیزده صفحه‌ای پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر، پس از ذکر سلسله سند، روایتی از

امام باقر علیه السلام منقل می کند که طبق آن هفتاد هزار نفر و بلکه بیشتر از مردم مدینه و اطراف، همراه پیامبر حج به جا آوردند، همانند اصحاب موسی که آن ها هم هفتاد هزار بودند و پیمان شکستند. همین طور پیامبر صلی الله علیه و آله هم برای علی علیه السلام بیعت گرفتند، گرچه مردم پیمان شکنی کردند. ۳۸

این روایت نیز به دلایلی پذیرفته نمی شود:

اولاً: این روایت به لحاظ سند مشکلاتی دارد و افراد ضعیف در سند آن دیده می شوند، ۳۹ ثانیاً: عدد هفتاد هزار نفر در موارد بسیاری به منظور نشان دادن کثرت، استعمال می شده و لذا به نظر می رسد این مورد نیز از همان موارد باشد. ۳-۱-۷. هشتاد و شش هزار نفر

باز ابن جبر در همان کتاب می نویسد: «و قیل ستة و ثمانون الف شاهد و معلوم ان اولئک من الاماکن المتفرقه و الامصار المتباعده». ۴۰ همان طور که در متن آمده فقط در حد یک «قیل» است که در مقایسه با اقوال دیگر ضعیف تر است و لذا نمی توان به آن اعتماد نمود. نویسنده در ادامه روایات در توجیه این همه جمعیت می نویسد: «روشن است این همه جمعیت از اماکن مختلف و از شهرهای دور بوده اند»؛ و از مباحث بعدی این مقاله روشن خواهد شد که این توجیه تا چه حد قابل قبول است.

۳-۱-۸. نود هزار نفر

عبدالملک عاصمی شافعی از نویسندگان اهل سنت می نویسد: پیامبر برای حجه الوداع از مدینه خارج شد، در حالی که نود هزار یا ۱۱۴ هزار نفر همراه وی بودند. ۴۱

۳-۱-۹. یکصد و چهارده هزار نفر

قول دیگر عاصمی شافعی - چنان که گفته شد - ۱۱۴ هزار نفر است ۴۲ که به دلیل ترتیب بندی اقوال، آن را در ردیفی جداگانه می آوریم. نویسنده این دو قول را به صورت غیر مستند آورده که چندان پذیرفتنی نیست. این در حالی است که اقوال قوی تر و مستندتری در دست داریم.

۳-۱-۱۰. یکصد و بیست هزار نفر

در نهایت، گزارشی از ابن جوزی است که جمعیت حاضر در غدیر را ۱۲۰ هزار نفر دانسته است. ۴۳ به نظر می رسد که این روایت را تنها باید توجیه کرد و تنها توجیه آن این است که تصحیفی یا تحریفی رخ داده باشد، زیرا در هیچ یک از روایات متقدم این تعداد جمعیت گزارش نشده است. دیگر این که ابن جوزی از قول خود چنین می گوید و آن را به کتاب یا شخصی نسبت نمی دهد.

حاصل آن چه گفته شد، این که تعداد جمعیت حاضر در غدیر از ۱۳۰۰ نفر تا ۱۲۰ هزار نفر گزارش شده است.

اما نکته بسیار مهم این است که بیشترین تعداد جمعیت حاضر در غدیر، طبق روایاتی که در منابع پنج قرن اولیه آمده، هفده هزار نفر گزارش شده است. رقم های بالاتر مربوط به بعد از قرن پنجم است. با توجه به ضعف هایی که در مورد منابع بعد از قرن پنج وجود دارد و صرفاً نقل از خود یا نقل یک قیل می باشد، باید از بین چهار قول اول یکی را تأیید کنیم، البته بر اساس قرائن دیگری که ذکر خواهد شد و نیز کار آماری که در مورد جمعیت مردم مدینه صورت خواهد گرفت. برای این منظور ابتدا باید چند بحث مقدماتی درباره «نقل های آماری از جمعیت در تاریخ» را بیاوریم و آن گاه بین نقل های مختلف یکی را انتخاب

نماییم.

۲-۳. اعداد و ارقام در منابع تاریخی

به راستی آیا اعدادی که در منابع تاریخی و به خصوص منابع کهن وجود دارند اعداد واقعی و دقیق می‌باشند؟ این سؤالی است که ابتدا باید پاسخ آن روشن شود. به عبارت بهتر ما باید تکلیف خود را با این اعداد روشن کنیم. به عنوان مثال، اعداد و ارقامی که در مورد تعداد سپاهیان اسلام در غزوه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ذکر شده‌اند این‌ها تا چه اندازه ناظر به واقع‌اند و تا چه اندازه ما به آن‌ها اعتماد داریم. به عنوان نمونه، گفته شده در غزوه تبوک سی هزار نفر شرکت داشتند. آیا این عدد واقعی است؟ اگر همه این اعداد را غیر واقعی فرض کنیم، دیگر چیزی برای ما نمی‌ماند که از آن سخن بگوییم و تحلیلی ارائه دهیم. چنین حکمی در مورد دیگر گزارش‌های تاریخی و چه بسا خود منابع تاریخی نیز صادق است. از این رو ما اجمالاً آن‌ها را می‌پذیریم، اما با قرار دادن آن‌ها در کنار دیگر قراین و شواهد تلاش می‌کنیم به عددی نزدیک به واقع دست پیدا کنیم. روی هم رفته در خصوص اعداد و ارقام و به خصوص تعداد جمعیت‌ها با مشکلاتی روبه‌رو می‌شویم که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱-۲-۳. کثرت‌نمایی: این بدان معناست که عدد در موارد بسیاری نشانه کثرت است، مثلاً اعداد چهل، هفتاد، هفتاد هزار اعدادی هستند که برای نشان دادن کثرت استفاده شده‌اند و نمونه‌های زیادی در تاریخ وجود دارد. به عنوان نمونه، روایتی که می‌گوید عالمی که از عملش بهره‌بردار از هفتاد هزار عالم برتر است، ۴۴ یا روایتی که می‌گوید شخص مسلمانی که به دیدار دوست مسلمانش برود و مشکل او را حل کند هفتاد هزار ملک بهشت را به او تبریک می‌گویند، ۴۵ و باز روایتی که می‌گوید هر کس شربتی از آب به مسلمانی بدهد هفتاد هزار حسنه برایش نوشته می‌شود، ۴۶ و بالأخره این روایت که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فلان قوم در شام زندگی می‌کردند و هفتاد هزار خانه داشتند و بر اثر طاعون از دنیا رفتند ۴۷ آیا این روایت‌ها ناظر به واقع است؟

روایات زیادی هست که این اعداد و ارقام در آن‌ها به کار رفته و بیشتر آن‌ها ناظر به کثرت‌اند. در روایت اول، معصوم قصد دارد تا ارزش عمل کردن به علم را به مخاطب بفهماند و توجه دهد که تنها عبادت نیست که انسان را به جایی برساند. در روایت دیگر بر ارزش دوستی با مسلمانان و سر زدن به همدیگر و صله رحم که اساس زندگی دنیوی است، تأکید شده است. و در آخرین روایت، امام علیه‌السلام قصد دارد به مخاطب بگوید که طایفه‌ای بسیار بزرگ بوده‌اند، اما گرفتار بلای الهی (طاعون) شدند. از این رو باید در فهم و تفسیر ارقام و اعداد ذکر شده در نقل‌های تاریخی به شدت توجه کنیم. اگر گزارشی می‌گوید سپاهی در فلان جنگ هفتاد هزار بودند، دست‌کم با قراین دیگر بازشناسی شود که تا چه اندازه ناظر به واقع بوده و هست. آیا چنین جمعیتی در دیگر گزارش‌ها یا گزارش‌های نزدیک به این نقل خاص نیز وجود دارد یا خیر؟

۲-۲-۳. اختلاف نقل‌ها: این بدان معنا نیست که فقط در اعداد و ارقام اختلاف هست و دیگر موضوعات تاریخی بدون اختلاف به دست ما رسیده است. با نگاهی اجمالی به گزارش‌هایی که عدد و رقمی را برای حادثه‌ای نقل کرده‌اند روشن می‌شود که به علت کمتر اهمیت دادن راویان به مقوله تعداد جمعیت، اختلاف بیشتری در این باره دیده می‌شود و چه بسا حاکی از اهمیت کم اعداد و ارقام باشد. طبری هنگام بحث از جریان حدیبیه، نمونه کاملی از اختلاف روایات را به نمایش می‌گذارد:

محمد بن مسلم زهری گوید: بسال حدیبیه پیمبر برون شد که آهنگ زیارت کعبه داشت و قصد جنگ نداشت و هفتاد قربانی

برد و هفتصد کس همراه داشت برای هر ده کس یک قربانی بود. حدیث دیگری از زهری هست که طبق آن پیمبر با هزار و چند صد کس بود. مسلمه گوید: هزار و چهارصد کس بودیم که همراه پیمبر به حدیبیه رفتیم. ابن عباس گوید: کسانی که (در جریان حدیبیه) زیر درخت حدیبیه با پیمبر بیعت کردند هزار و پانصد و بیست و پنج کس بودند. عبدالله بن ابی اوفی گوید: به روز بیعت زیر درخت هزار و سیصد کس بودیم و اسلمیان یک هشتم گروه مهاجران بودند. ۴۸

در این روایات طبری شاهدیم که در مورد واقعه‌ای که حداکثر، هزار و ششصد نفر در آن بوده‌اند تا این اندازه اختلاف است. البته تصور نشود که این اعداد به هم نزدیک‌اند، بلکه صرفاً اختلاف روایت شاهد مثال ماست.

۳-۲-۳. مبالغه: باید شدیداً به مبالغه‌گویی‌ها توجه داشته باشیم. البته مبالغه با کثرت‌نمایی متفاوت است. روایاتی وجود دارد که آگاهانه و با هدف خاصی در مورد افزایش جمعیت واقعه‌ای مبالغه‌گویی می‌کنند، مانند روایاتی که قصد دارند مسلمانان را در سال‌های پس از فتح مکه زیاد جلوه دهند تا به نوعی موفقیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیشتر به چشم بیاید. البته ما به هیچ وجه منکر موفقیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و فراگیر شدن اسلام در سال‌های هشتم به بعد نیستیم، اما - همان‌طور که خواهیم گفت - یک باره پس از فتح مکه تعداد مسلمانان در منابع، در برخی حوادث به صورت چشم‌گیری افزایش می‌یابد.

۳-۲-۴. تصحیف و تحریف: اگرچه این امور در تاریخ، امری طبیعی به شمار می‌آید، اما بیشترین تأثیر آن در اعداد و ارقام ظاهر می‌شود که گاه با افزایش ناخواسته یک نقطه، چه تغییراتی صورت می‌گیرد. در این‌جا نمونه کاملی از این‌گونه تحریف‌ها را با هم ملاحظه می‌کنیم.

یکی از مؤلفان اهل سنت هنگام گزارش از زمان خارج شدن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از مدینه برای حجه‌الوداع می‌نویسد: «خرج يوم الخميس لست بقين من ذى القعدة أو يوم السبت لخمس بقين من ذى القعدة». ۴۹. در این گزارش، کلمه «خمس» که بیان‌گر پنج روز به انتهای ذی‌قعدة است با «خمیس» که روز هفتم را مشخص می‌کند و نیز دو کلمه «لست» و «السبت» با هم مشتبه شده است. البته در این‌جا ناقل، هر دو قول را آورده است، اما گویای این مطلب است که اشتباهی رخ داده و هر دو قول در منابع وجود دارد.

هم‌چنین در مواردی، ارقام با اعداد ثبت شده‌اند - نه با حروف - و مشکلاتی را به بار آورده است. به عنوان نمونه در برخی منابع آمده است که صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در زمان وفات ایشان دوازده هزار (۱۲۰۰۰) نفر بوده‌اند. ۵۰ حال چنان‌چه یک صفر به این عدد افزوده شود، در کتاب‌ها و گزارش‌های بعدی به ۱۲۰۰۰۰ نفر افزایش می‌یابد. هم‌چنان‌که این مسئله پیش آمده و برخی تعداد صحابه پیامبر را در حجه‌الوداع ۱۲۰ هزار نفر دانسته‌اند. ۵۱ این در حالی است که به نظر می‌رسد سبط بن جوزی اشتباه دیگری را مرتکب شده و تمام این ۱۲۰ هزار نفر حج‌گزار در مکه را که از تمام نقاط اسلامی بودند، به عنوان حاضران در غدیر معرفی کرده است. توجه به این‌گونه اشتباهات فاحش، اما ناخواسته می‌تواند ما را در جریان برخی واقعیت‌ها قرار دهد.

۳-۲-۴. اعداد تخمینی: چنین به نظر می‌رسد که بیشتر اعداد به صورت تخمینی گفته شده و بعد وارد روایات شده است. کمتر روایتی را می‌توان یافت که در آن‌ها «منطق شمارش» رعایت شده باشد. طبری در مورد کسانی که در فتح مکه حضور داشتند و تعداد آن‌ها ده هزار نفر بوده، روایتی را آورده که طی آن گفته است: چهارهزار نفر از این‌ها از قبایل فلان و فلان و فلان بودند (و نام قبایل را ذکر می‌کند) و مابقی آن‌ها انصار و مهاجران بودند. ۵۲ به نظر نگارنده، این روایت مقبول‌تر است. چون تلاش

می‌کند هر قبیله را و تعداد افرادی را که آورده بود، نقل نماید. در واقع، این ده هزار نفر را تفکیک می‌کند. این از جمله روایاتی است که ما می‌توانیم بدان اطمینان کنیم. چون یکی از راه‌های منطق شمارش که در ادامه، درباره آن توضیح خواهیم داد، در آن رعایت شده است.

۳-۳. تحمل جمعیت

بحثی که در این جا باید بدان توجه شود این است که باید دید جمعیتی که برای یک واقعه گفته می‌شود آیا مکان آن واقعه و یا زمان آن، تحمل آن جمعیت را داشته است یا خیر؟ این سؤالی اساسی است که کمتر بدان توجه می‌شود. ما باید تمامی شرایط را ببینیم. یک جمعیت بسیار زیاد، نیاز بسیاری به آذوقه و آب دارد. از کجا آب و غذای آن‌ها تأمین می‌شده و چگونه سرویس دهی می‌شدند. امروزه در مکه، با آن همه امکانات، ساختمان‌های بیست طبقه، باز چه مشکلاتی وجود دارد. در مورد جنگ تبوک گفته می‌شود که سی هزار نفر شرکت داشتند. سی هزار نفری که عازم بلاد کفر و منطقه دشمن می‌شوند باید برای آذوقه خود چاره‌ای بیندیشند. نیز گفته شده که بیست روز رفتن آن‌ها به طول انجامیده است. حتی تأکید شده که این سفر بسیار سخت بود، ۵۳ چراکه در اوج گرما انجام شد و مرکب سواری کم داشتند، و مسافت تا تبوک، طولانی بود و از مناطق بد آب و هوا عبور می‌کردند. با محاسبه اجمالی به نظر می‌رسد که حضور این همه جمعیت بعید است، به گونه‌ای که برخی برای حل این مسئله دست به دامن معجزه شده‌اند؛ مبنی بر این که بارها از بین انگلستان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آب جوشید و سی هزار نفر از آن نوشیدند. ۵۴ شاید تصور شود این استبعاد، شخصی است و چه بسا برای دیگران، پذیرفتن چنین جمعیت زیادی، هیچ بعدی نداشته باشد. باید گفت که ابن خلدون نیز این گونه آمار و ارقام مبالغه‌آمیز را از اشتباه‌کاری‌های مورخان بی‌دقت دانسته و آن‌ها را با توجه به میزان گنجایش مکان حادثه و مؤلفه‌های دیگر، بعید شمرده است. ایشان به چند نمونه از این آمارها مانند حضور شش صد هزار نفر در سپاه بنی‌اسرائیل هنگام خروج از مصر، و دویست هزار نفر در سپاه ایران در جنگ قادسیه اشاره می‌کند و تمامی آن‌ها را با توجه به لوازم مورد نیاز چنین جمعیتی، بعید می‌داند. باید توجه داشت که ابن خلدون هفت صد سال از ما به حوادث صدر اسلام نزدیک‌تر است. ۵۵

در مورد مکان نیز همین مسئله صادق است. اگر گفته شود در فلان مسجد پنجاه هزار نفر حضور داشتند، آیا می‌توان به راحتی پذیرفت؟ در مورد زمان نیز صادق است. اگر گفته شود صد هزار نفر در مدت سه روز مسیر مکه تا مدینه را پیمودند، نمی‌توان پذیرفت. آری، اگر یک نفر با اسب تیزرو بخواهد این راه را در سه روز برود امکان دارد، اما جمعیت زیاد، معطلی دارد، اطراق کردن در یک محل برای استراحت و تجدید قوا در بین سفر، قطعاً زمان بسیار زیادی را می‌طلبد و چه بسا یک روز کامل نیاز باشد تا کاروانی با این همه جمعیت توقف کرده و استراحت نمایند. به راه افتادن این همه جمعیت چه بسا چندین ساعت طول بکشد. این در حالی است که اگر فردی تنها باشد توقف و استراحت و نماز و تغذیه وی، ممکن است یک ساعت هم نشود. به هر حال اگرچه غدیر از وسعت مکانی برخوردار بود، اما آیا در غدیر آب به میزان کافی برای جمعیت ۱۲۰ هزار نفری هم وجود داشته است؟ آیا سرویس دهی به این همه جمعیت فراهم بوده است؟

۳-۴. منطق شمارش جمعیت در نقل‌ها

به راستی گذشتگان چگونه افراد حاضر در یک واقعه را شمارش می‌کردند؟ آیا شخصی تک‌تک افراد را می‌شمرد؟ آیا به مانند امروز، لیست‌برداری و گروه‌بندی خاصی داشتند یا این که جمعیت‌های زیاد را تخمین می‌زدند؟ به نظر می‌رسد علاوه بر

تخمین که بحث آن جدی است، چند راه دیگر برای شمارش وجود داشته است. به عبارت دیگر، وقتی به روایاتی که جمعیتی را گزارش می‌کنند نگاه می‌کنیم، چنانچه یک راه منطقی برای شمارش افراد در آن رعایت شده باشد آن را نزدیک به واقع می‌دانیم. اینک چند نمونه از رعایت منطق شمارش:

۳-۴-۱. گزارش واقعی درباره غزوه احد. وی می‌نویسد:

قریش و کسانی که به آن‌ها پیوسته بودند، جمعا سه هزار نفر بودند که صد نفرشان از قبیله ثقیف بودند، ساز و برگ و سلاح فراوان و دویست اسب داشتند، هفت صد تن از ایشان زره داشتند و سه هزار شتر همراهشان بود. ۵۶

این که وی می‌گوید هفت صد نفر زره داشتند ما را به این نکته رهنمون می‌کند که نوع پوشش نظامی آن‌ها سبب شده بود تا عده‌ای متمایز باشند و گزارش، نزدیک به واقع باشد. به نظر نگارنده در این روایت، یکی از راه‌های منطق شمارش رعایت شده و روایت به واقع نزدیک است.

۳-۴-۲. وجه دیگری که در تاریخ برای آن شاهدهی داریم و خود می‌تواند منطق شمارش جمعیت به حساب آید این است که تعداد حیواناتی را که برای تغذیه نیروها ذبح می‌شده‌اند، شمارش می‌کردند. از آنجا که یک شتر مثلاً برای تغذیه صد نفر کافی بوده است، لذا به این طریق جمعیت را تخمین می‌زدند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در ماجرای جنگ بدر از همین شیوه استفاده نمودند و پس از آنکه مطلع شدند سپاه قریش ده شتر ذبح کرده‌اند، فرمودند که ایشان حدود هزار نفر می‌باشند. ۵۷

۳-۴-۳. راه سوم تفکیک جمعیت است که منطقی‌تر و در نتیجه به واقع نزدیک‌تر می‌نماید. طبری در روایتی، تعداد شرکت کنندگان در فتح مکه را بیان نموده که راه سوم در آن به خوبی دیده می‌شود. وی می‌نویسد:

ده هزار کس از مسلمانان در فتح مکه همراه پیامبر بودند، چهارصد کس از بنی غفار، چهارصد کس از اسلم، هزار و سه کس از مزینه و هفت صد کس از بنی سلیم و هزار و چهارصد کس از جهینه و باقیمانده از قرشیان مهاجر و انصار و هم‌عهدانشان از بنی تمیم و قیس بودند. ۵۸

این روایت، حاکی از این است که تمام جمعیت بر اساس افراد قبیله شناخته می‌شدند. مثلاً در یک جنگ، هر قبیله نیروهای مشخصی را معرفی می‌کرده و تنها یک جمع‌بندی ساده می‌توانست تعداد جمعیت حاضر را مشخص نماید.

این سه راه برای شمارش، در گذشته وجود داشته و معقول هم به نظر می‌رسد. اما باز هم مشکل این جاست که چرا اعداد، در منابع تاریخی، رند و کامل‌اند و محدود گزارش‌هایی در دست است که اعداد خرد در آن‌ها باشد که از جمله می‌توان به عدد ۳۱۳ در جنگ بدر یا ۱۴۲۵ نفر در حدیبیه اشاره نمود. بنابراین باید پذیرفت که اعداد به کار رفته در حوادث تاریخی، معمولاً گرد و رند شده‌اند و ارقام خرده آن‌ها حذف شده است و همین امر، فرض تخمین را تقویت می‌کند. اما به هر حال روایاتی که در آن‌ها منطق شمارش رعایت شده باشد بیشتر قابل پذیرش‌اند.

۳-۵. معید و صارخ

بحث مهم دیگری که باید به آن بپردازیم بحث معید و صارخ است. معید یا صارخ به کسی گفته می‌شد که با سخنران فاصله داشت و در وسط جمعیت می‌ایستاد و جملات سخنران را تکرار می‌کرد تا تمام جمعیت در جریان صحبت‌های سخنران قرار گیرند. به عنوان نمونه در مدارس نظامیه بغداد افرادی به عنوان معید، درس استاد را تکرار می‌کردند. این‌کثیر نمونه‌ای از این افراد را نام می‌برد. ۵۹ مهم‌تر آن که شخص معید می‌بایست مورد اعتماد سخنران باشد. نیز معید از میان جوانان انتخاب می‌شد

تا هم توان تکرار سخنرانی را داشته باشد و هم توان علمی جهت دخل و تصرف در جملات سخنران را نداشته باشد. به نظر می‌رسد بحث معید و صارخ برخی را به اشتباه انداخته، از این رو برای جمعیت‌های بسیار زیاد نیز به آن متصل می‌شوند، در حالی که معید در هر جمعیتی کارآمد نبود و نمونه‌های تاریخی آن، بیشتر مربوط به مجالس درس ۶۰ که حداکثر جمعیتی حدود هزار نفر شرکت داشتند، می‌باشد.

به راستی در یک جمعیت ۱۲۰ هزار نفری چگونه می‌توان سخن گفت که همه بشنوند. به عنوان مثال، ورزشگاه آزادی تهران را در نظر بگیریم؛ در چنین مکانی که همه منظم نشسته‌اند باز هم نیاز به چندین بلندگوست تا همه صدای یک شخص را بشنوند. چه برسد به یک اجتماع نامنظم. نگارنده به گزارشی از حضور معید و صارخ در جریان غدیر دست نیافت.

۶-۳. جمعیت مدینه در سال دهم هجرت

حال پس از این مباحث مقدماتی وارد بحث جمعیت غدیر می‌شویم. متأسفانه برای جمعیت غدیر هیچ کدام از راه‌های منطقی که در بند ۴-۴ گذشت دیده نمی‌شود. تنها در روایت عیاشی از امام صادق علیه‌السلام قرینه کوچکی برای پذیرش آن هست. امام می‌فرماید: پنج هزار نفر از مدینه و پنج هزار نفر از مکه بوده‌اند. در واقع، جمعیت را تفکیک می‌کند و این خود قرینه‌ای است. البته در جای خود بحث کردیم که با مسامحه می‌توان پذیرفت که این‌ها اهل مکه نبودند، بلکه حاجیانی بودند که از مکه پیامبر را همراهی نمودند. در مورد روایتی هم که می‌گفت عده‌ای از یمن آمده بودند نیز گفتیم که آمدن آن‌ها وجهی ندارد.

حال با فقدان راه‌های شمارش در روایات غدیر، باید دید بین این تعداد روایات که در مورد تعداد جمعیت حاضر در غدیر در ابتدای بحث نقل شد، کدام را می‌توان پذیرفت. در این جا می‌توان به سراغ قرینه دیگری رفت تا بتوان به رقم واقعی دست یافت. برای این منظور باید جمعیت مدینه را از سال دوم به بعد بررسی نمود تا دست‌کم بدانیم مدینه در سال دهم ظرفیت چه تعداد زائر برای انجام حج را داشته است.

اگرچه جمعیت حاضر در غدیر فقط اهل مدینه نبودند، اما محور، اهالی مدینه‌اند، چون در مسیر بازگشت به مدینه این اتفاق بزرگ روی داده است. علاوه بر این، اگرچه جحفه محل احرام اهالی مصر و شام هم هست، اما گفتیم که آن روز هنوز اسلام به مصر و شام نرسیده بود. حال آیا می‌توانیم با توجه به قراین در نقل‌های تاریخی جمعیت تقریبی مدینه را به دست آوریم یا خیر؟ اگر بتوانیم به نتیجه‌ای نزدیک به واقع دست یابیم آن‌گاه می‌توانیم به کمک آن‌ها یکی از روایات ذکر شده در مورد جمعیت غدیر را انتخاب نماییم. قراین این مسئله، جمعیت‌هایی است که در جریان‌ها و حوادث سال‌های قبل بوده‌اند. بهترین قرینه‌ای که می‌توانیم از آن استفاده کنیم افزایش جمعیتی است که از سال اول هجرت تا سال دهم اتفاق افتاده است. افزایش جمعیت در گزارش‌ها کاملاً محسوس است و می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. البته باید افزایش را نسبی در نظر گرفت. مثلاً در جنگ بدر تعداد سپاه مسلمانان ۳۱۳ نفر، در جنگ خندق سه هزار نفر و هنگام فتح مکه ده هزار نفر و در بازگشت از مکه و در جنگ حنین دوازده هزار نفر گزارش شده است.

این امر می‌تواند کمک کند تا دریابیم که مدینه طی ده سال تا چه اندازه به لحاظ جمعیت رشد داشته و مسلمانان تا چه اندازه افزایش یافته‌اند.

توضیح آن‌که: در جنگ بدر شمار مسلمانان (منظور سپاه مسلمانان است نه کل جمعیت مسلمانان، اعم از زن و مرد و کودک)

۳۱۳ نفر، در جنگ احد حدود هزار نفر، و دو سال بعد، یعنی در جنگ خندق (با توجه به این که جنگ در کنار مدینه بوده و به عبارتی داخل شهر انجام می شد) حدود سه هزار نفر گزارش شده است. حال اگر مسلمانان طی سه سال بعد دو برابر هم شده باشند جمعیت سپاه مسلمانان در سال هشتم شش هزار نفر معقول به نظر می رسد. جالب این که برای این احتمال، در تاریخ شاهی به چشم می خورد و آن روایتی است که مورخان جمعیت کسانی را که در سال هشتم برای فتح مکه از مدینه بیرون رفتند، بیان نموده اند. در سیره ابن اسحاق آمده است: مسلمانان وقتی به مرالظهران ۶۱ رسیدند، ده هزار نفر بودند، هفتصد نفر از آنان از قبیله سلیم بودند و هزار نفر از قبیله مزینه. ۶۲ وی در ادامه می نویسد: از هر قبیله تعدادی آمده بودند. ۶۳ از این روایت چنین برمی آید که تمام جمعیت، از مدینه نبوده اند. مؤید این امر، روایت دیگری است از طبری که جمعیت را کاملاً تفکیک کرده و کار را برای قضاوت آسان نموده است:

ده هزار کس از مسلمانان در فتح مکه همراه پیمبر بودند: چهارصد کس از بنی غفار، چهارصد کس از اسلم، هزار و سه کس از مزینه و هفتصد کس از بنی سلیم و هزار و چهارصد کس از جهینه و باقیمانده از قرشیان مهاجر و انصار و هم عهدانشان از بنی تمیم و قیس بودند. ۶۴

چنانچه اعداد این روایت را جمع نماییم عدد ۳۹۰۳ به دست می آید؛ ۶۵ یعنی مهاجر و انصاری که از مدینه در سال هشتم برای فتح مکه همراه پیامبر صلی الله علیه و آله شدند جمعیتی حدود شش هزار نفر بوده اند و این موافق با همان احتمال ماست. اما گزارش واقدی در مورد جمعیت حاضر در فتح مکه، عددی کمتر از این را نشان می دهد. وی می نویسد:

مهاجران هفتصد نفر بودند و سی صد اسب همراه داشتند، انصار چهار هزار نفر بودند و پانصد اسب همراه داشتند، مزینه هزار نفر بودند و صد اسب و صد زره همراه داشتند و سه پرچم بزرگ با آنها بود، یکی همراه نعمان بن مقرن، دیگری همراه بلال بن حارث، و سومی همراه عبدالله بن عمرو، اسلم چهارصد نفر بودند و سی اسب داشتند و دو پرچم، یکی را بریده بن حصیب و دیگری را ناجیه بن اعجم حمل می کرد، جهینه هشتصد نفر بودند و پنجاه اسب همراه داشتند و چهار پرچم. ۶۶

بر اساس این روایت، مهاجران و انصار کمتر از پنج هزار نفر بودند. اما با قدری تسامح، می توان عدد شش هزار را که طبری نقل کرده است با عدد حدود پنج هزار که واقدی آورده نزدیک هم دانست و جمعیت تقریبی را به دست آورد.

همین طور گزارشی که از ابن عباس نقل شده مبنی بر این که هنگام فتح مکه تمام مهاجران و انصار همراه پیامبر صلی الله علیه و آله شدند و هیچ کس باقی نماند، مؤید حضور چنین تعدادی می باشد. ۶۷ البته روشن است که منظور ابن عباس این نیست که حتی یک نفر هم در مدینه نماند، بلکه غالب جمعیت از مدینه خارج شدند و عده ای هم که در مدینه ماندند شامل زنان و کودکان و سالخوردهگان بود که آنها را لحاظ خواهیم نمود.

نکته ای که باید بدان توجه کنیم این که پس از فتح مکه، سپاه اسلام به حنین رفت. نقل های تاریخی جمعیت سپاه اسلام را در حنین دوازده هزار نفر گزارش می کنند. اما نکته بسیار اساسی که این جا وجود دارد آیه ای از قرآن کریم است که می فرماید:

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبْتَكُمْ كَثْرَتَكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَ لَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ؛ ۶۸ خدا شما را در بسیاری از جای ها یاری کرد. و نیز در روز حنین، آن گاه که انبوهی لشکرتان شما را به شگفت آورده بود، ولی برای شما سودی نداشت و زمین با همه فراخی اش بر شما تنگ شد و بازگشتید و به دشمن پشت کردید.

از این آیه می توان برداشت کرد که دوازده هزار نفر، جمعیت بسیار عظیمی بوده است که مسلمانان با دیدن آن به خود مغرور

شدند؛ به بیان دیگر، مسلمانان جمعیت بی‌سابقه‌ای را مشاهده کرده و به وجد آمده بودند. علت این امر هم کاملاً روشن است، چون مسلمانان هنگام خارج شدن از مدینه - همان طور که گفتیم - شش هزار نفر بودند، و در بین راه، چهار هزار نفر و طبق روایت طبری ۳۹۰۳ نفر به آن‌ها اضافه شدند که مجموعاً ده هزار نفر بودند. آن گاه پس از فتح مکه دو هزار نفر از مردم مکه همراه آن‌ها شدند؛ یعنی در واقع، جمعیتی که از مدینه خارج شد دقیقاً دو برابر شدند و همین امر سبب تعجب و غرور آن‌ها گردید. این آیه از قرآن می‌تواند قرینه خوبی برای ما باشد.

روشن است که در این جا چهار هزار نفری را که از مناطق دیگر آمده بودند، نمی‌توانیم جزء جمعیت مدینه به حساب آوریم. اگرچه این افراد در جریان غدیر می‌توانستند حضور داشته باشند، اما از جمعیت مدینه به حساب نمی‌آیند.

قرینه دیگر، جمعیت حاضر در تبوک است. اولاً: اشکال اختلاف روایات در مورد تبوک وارد است. در بین نقل‌های تاریخی، تعداد مسلمانان در تبوک سی هزار، ۶۹ هفتاد هزار، یک صد هزار ۷۰ و حتی ۱۲۰ هزار نفر ۷۱ گزارش شده است. ثانیاً: نباید تصور شود که همه این افراد از مدینه بودند. مدینه‌ای که در سال هشتم، شش هزار نفر را به فتح مکه فرستاد، چگونه ممکن است طی یک سال جمعیتش پنج برابر شود. بر فرض که این آمار صحیح باشد باید گفت که از مدینه، مکه و از قبایل اطراف این دو آمدند. ثالثاً: به نظر نگارنده باز هم در این آمار، امکان مبالغه وجود دارد. همین اختلاف نقل‌ها شاهدی بر مبالغه ناقلان و گزارش‌گران است.

سال نهم به نام عام‌الوفود مشهور است؛ سالی که نمایندگان قبایل مختلف عربستان به مدینه می‌آمدند و تبعیت خود را از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اعلان می‌کردند. در واقع، این مسئله ناشی از فتح مکه و قدرت مطلق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در منطقه بود، از این رو، قدرت‌های کوچک چاره‌ای جز این نداشتند تا زیر پرچم رسول‌الله قرار گیرند.

به نظر نگارنده عام‌الوفود تغییر چندانی در جمعیت مدینه که هسته مرکزی مسافران حجه‌الوداع و خمیرمایه جمعیت غدیرند ایجاد نکرد، زیرا در این سال صرفاً نمایندگانی از قبایل و قدرت‌های کوچک به مدینه می‌آمدند و اعلان تبعیت می‌کردند، اما شاهدی در تاریخ نداریم که این افراد در مدینه ماندگار شده باشند. بر فرض که این‌ها در مدینه مانده باشند تعدادشان آن قدر نبوده که سبب تغییر اساسی در جمعیت مدینه شوند. در برخی وفدها تعداد آن قدر کم بوده که در کتاب‌های تاریخی می‌توان حتی اسامی برخی از این افراد را یافت. ۷۲

نکته مهم‌تر این‌که از این افراد تازه‌مسلمان که فقط رؤسای ایشان به مدینه آمدند و اظهار اسلام کردند، بعید می‌نماید که هنوز یک سال از اظهار اسلامشان نگذشته همراه با پیامبر عازم سفر حج شوند، این افراد صرفاً اصول اسلام را شنیدند و پذیرفتند. توجه به ماجرای ارتداد که در زمان حیات پیامبر آغاز شد تأییدی بر این نکته است.

آخرین نکته در این بحث، جیش اسامه است که در نقل‌های تاریخی تعداد جیش اسامه تنها سه هزار نفر گزارش شده است. ۷۳ این امر، احتمال ما مبنی بر مبالغه در تبوک را تقویت می‌کند. نیز حاکی از این نکته بسیار مهم است که در حوادث پی در پی، ضرورتی ندارد آمار شرکت‌کنندگان نیز افزایش یابد و همه شرکت‌کنندگان بر فرض که در تبوک سی هزار نفر هم بوده‌اند، اما در جیش اسامه سه هزار نفر بیشتر شرکت ندارند. به نظر نگارنده این سه هزار نفر را می‌توان سپاه مدینه تلقی کرد. نتیجه این‌که اگر شرکت‌کنندگان در فتح مکه، سال‌خورده‌گان و کودکان و افراد باقی‌مانده در مدینه و افرادی را که احیاناً در دو سال بعد به جمعیت مدینه افزوده شده‌اند، جمع نماییم، معقول به نظر می‌رسد که جمعیتی حدود ۲۵ هزار نفر در سال‌های

منتهی به وفات پیامبر صلی الله علیه و آله ساکن مدینه باشند. ۷۴ این آمار علاوه بر شواهد گذشته، از این قانون نیز پیروی می کند که یک نفر سرباز در میدان جنگ - یا یک مسافر - دست کم یک خانواده سه نفری را در منزل رها کرده و به میدان نبرد آمده است. در نقل های تاریخی نیز تأییدی بر این مطلب به چشم می خورد که در این جا ذکر می کنیم. اهل سنت روایتی را از شافعی نقل می کنند که گفته است: زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت شصت هزار نفر مسلمان بودند؛ سی هزار نفر در مدینه و سی هزار نفر دیگر در باقی بلاد و قبایل. ۷۵ این رقم گرچه با آنچه ما بدان رسیدیم مطابقت کامل ندارد، اما بسیار به هم نزدیک اند.

۷-۳. حج گزاران مدینه

تاکنون جمعیت تقریبی مدینه را به دست آوردیم. اینک باید ببینیم که چه تعداد نفر می توانستند به عنوان حج گزار، از مدینه و اطراف خارج شوند و پیامبر را همراهی کرده و در راه بازگشت، در غدیر سخنان پیامبر را بشنوند؟ اما قبل از این که به نتیجه برسیم و جمعیت حج گزار مدینه را تخمین بزنیم، لازم است آن چه تاکنون گفته ایم ارزیابی نموده و مقومات و مستبعدهات آن ها را بررسی کنیم. به عبارت دیگر، ببینیم چه عواملی سبب می شود جمعیت خارج شونده از مدینه زیاد باشد و چه فاکتورهایی سبب می شود که قول جمعیت کمتر را انتخاب نماییم.

۷-۳-۱. مقومات

۱. فتح مکه: پس از فتح مکه افرادی همراه پیامبر وارد مدینه شدند؛
۲. اولین حج: سال دهم اولین حجی است که پیامبر صلی الله علیه و آله قصد انجام آن را دارد که بدون درگیری و با خیالی آسوده اتفاق خواهد افتاد. بعید نیست که افراد زیادی مایل باشند در یک حج رسمی و بدون درگیری شرکت نمایند. به ویژه اگر اسنادی داشته باشیم حاکی از دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله از قبایل مسلمان اطراف مدینه برای شرکت در مراسم حج، و اجابت آن ها باشد.

۷-۳-۲. مستبعدهات

۱. شیوع بیماری آبله یا حصبه قبل از حرکت کاروان حج: طبق گزارشی، عده ای از اهالی مدینه نتوانستند پیامبر صلی الله علیه و آله را در سفر حجه الوداع همراهی کنند و علت آن نیز شیوع بیماری بود. این گزارش در کتاب السیره الحلبیه آمده که می نویسد: «وعند خروجه صلی الله علیه و آله للحج أصاب الناس بالمدينه جدری أو حصبة منعت كثيرا من الناس من الحج معه» ۷۶. به نظر می رسد که هیچ انگیزه ای برای جعل این روایت نیست و در این صورت، مدینه نمی توانست جمعیت زیادی را روانه حجه الوداع نماید.

۲. تحمل جمعیت.

۳. اختلاف اقوال.

۴. باید توجه داشت که تعداد سپاه اسلام در جنگ حنین که دوازده هزار نفر گزارش شده آن قدر در نظر مسلمانان زیاد بود که طبق آیه قرآن به خود مغرور شدند. این امر نشانه آن است که آن روز دوازده هزار نفر مساوی بوده با یک جمعیت بی سابقه و عظیم.

۵. عام الوفود: این مسئله، افزایش جمعیت مسلمانان را در پی داشت نه افزایش جمعیت مدینه را. این نکته ای بسیار مهم و

اساسی است که کمتر بدان توجه شده است. همین طور آمار افرادی معدود که در اوایل هجرت همراه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌هاجرت کردند یا بعداً وارد مدینه شدند و جا و مکانی در مدینه نداشتند و لذا در صفا مسجد ساکن شدند، در تاریخ مشخص است و قابل توجه نیست. بنابراین، پذیرفته نیست که بدون دلیل جمعیتی را به جمعیت مدینه اضافه کنیم.

۶. در جریان فتح مکه و نیز غزوه تبوک احساس مسئولیت نسبت به جنگ سبب می‌شود جمعیت بیشتری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را همراهی نمایند، در حالی که در سال دهم صرفاً حج‌گزاران با پیامبر است که می‌تواند انگیزه‌ای برای مسلمانان باشد. بنابراین اگر افراد زیادی نروند، هیچ توییخی برای آن‌ها وجود نخواهد داشت. اما به صورت طبیعی هر مسلمانی مشتاق است در این سفر معنوی پر جاذبه شرکت کند، به‌ویژه آن‌که جنبه آموزشی نیز دارد.

۷. در جریان حدیبیه، روایات متفاوت است و حتی هفت صد نفر هم گفته شده است. اما با نگاه خوشبینانه تنها ۱۵۰۰ نفر در همراهی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله حاضر شدند و به مکه رفتند. ۷۷ همین طور در خیبر ۱۵۰۰ نفر بودند، ۷۸ در حالی که در خندق که دو سال قبل از این بود سه هزار نفر حاضر بودند. پس وجهی ندارد که در همه حوادث، همه حاضر باشند و در هر حادثه‌ای آمار افزایش یابد.

۸. جیش اسامه: بر فرض که در تبوک سی هزار نفر بودند، ضرورتی نداشت که همه در حجه‌الوداع نیز شرکت داشته باشند. چه بسا مانند جیش اسامه - در عین حالی که جنگ است و همه باید شرکت کنند - اما سه هزار نفر بیشتر نبودند. ضرورتی برای شرکت همه در همه اتفاقات نیست.

۹. مردم مدینه دو سال قبل از این، در سال هشتم (این صرفاً احتمال است) سفر مکه را تجربه کرده‌اند و چه بسا چندان اشتیاق به انجام دوباره چنین سفر خسته‌کننده‌ای نداشته باشند.

در پایان این بحث با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت که حج‌گزاران مدینه که محور جمعیت حاضر در غدیرند و خمیرمایه این جمعیت‌اند چیزی حدود پنج هزار نفر بوده و بیش از این نمی‌توان تصور نمود، چنان‌که در نقل شعیری در جامع الاخبار که حاضران در غدیر را هفده هزار نفر گزارش کرده بود نیز پنج هزار نفر را از مدینه و بقیه را از یمن می‌دانست. ۷۹ اگرچه ما روایت را به دلیل حضور یمنی‌ها رد کردیم اما یک بخش آن می‌تواند تأییدی بر گفته‌های ما باشد. نیز روایت عیاشی که می‌گوید پنج هزار نفر از مدینه خارج شدند ۸۰ تأیید دیگری است.

۸-۳. حاضران در مکه هنگام حجه‌الوداع

قول رایج در میان منابع اهل سنت این است که جمعیت حاضر در مکه در حجه‌الوداع چهل هزار نفر بوده‌اند. ۸۱ البته اقوال دیگری نیز هست که می‌توان به هفتاد هزار، ۸۲ نود هزار، ۸۳ یکصد هزار، ۸۴ ۱۱۴ هزار، ۸۵ ۱۲۰ هزار، ۸۶ و در نهایت ۱۳۰ هزار نفر اشاره کرد. ۸۷ به نظر می‌رسد که در این اقوال، بسیار مبالغه شده است. ما، در بحث تحمل جمعیت گفتیم که حضور این تعداد زائر بسیار بعید می‌نماید. با توجه به این‌که بیشتر نقل‌ها چهل هزار نفر را گزارش کرده‌اند به نظر می‌رسد با قدری تسامح می‌توان آن را پذیرفت.

۹-۳. حاضران در غدیر

حال در بین ده روایتی که در آن‌ها به جمعیت غدیر اشاره شده و در ابتدای بحث آورده شد، به نظر می‌رسد روایت عیاشی از

امام صادق علیه السلام که خارج شوندگان از مدینه را پنج هزار نفر دانسته، مدرک و سندی برای رسیدن به عدد نزدیک به واقع است. البته با ذکر این نکته که برای ما مشخص نیست پنج هزار نفر دیگر اهل کجا بودند. در واقع، پنج هزار نفر دوم برای ما بلا تکلیف بوده و هنوز ثابت نشده است. گذشت که آمدن مکی‌ها تا فاصله ۱۸۰ کیلومتری، هیچ توجیهی ندارد. اهالی یمن نیز می‌بایست به سمت جنوب بروند. پس می‌توان گفت که چه بسا عده‌ای از مناطق شمالی شبه جزیره و احیاناً اهالی جنوب عراق، پیامبر صلی الله علیه و آله را همراهی کرده‌اند، چراکه هنوز عراق و شام مسلمانی نداشت تا حج گزار داشته باشد. شواهدی که ما را در انتخاب روایت عیاشی کمک می‌کند تا آن را به عنوان سند بحث خود قرار دهیم از این قرارند:

۱. منبع روایت: تفسیر عیاشی به عنوان منبعی کهن و پذیرفته شده نزد شیعه است. نیز در مقایسه با منابع دیگر، مانند تفسیر فرات کوفی (قرن چهارم)، جامع الاخبار (قرن ششم)، الاحتجاج (قرن ششم)، مناقب آل ابیطالب (قرن ششم)، تذکره الخواص (قرن ششم)، نهج الایمان (قرن هفتم) و سمط النجوم العوالی (قرن دوازدهم) از لحاظ زمانی مقدم تر است.
۲. تأیید روایت: ابن شهر آشوب و شیخ حرّ عاملی نیز همین روایت را نقل می‌کنند که توضیح آن‌ها گذشت. ۸۹.
۳. شأن نزول: عیاشی این روایت را ذیل آیه ابلاغ آورده که نزد شیعه کاملاً پذیرفته شده است.
۴. منطق شمارش: در این روایت، پنج هزار نفر از مدینه و پنج هزار نفر از مکه دانسته شده است. گرچه این تفکیک خود می‌تواند دلیلی بر رد این قول باشد، چون دلیلی بر حضور مکی‌ها نیست. اما از آن‌جا که بر اساس مباحث گذشته، خارج شوندگان از مدینه پنج هزار شمرده شده‌اند، لذا می‌تواند سند و مدرکی برای ما باشد. نگارنده بر این باور است که گرچه تعداد حج گزاران مدینه را تخمین زده‌ایم، اما برای جمعیت حاضر در غدیر دست کم نیاز به نقل تاریخی داریم. بر این اساس، در میان ده روایتی که گذشت به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین قول به محاسبات ما همین روایت عیاشی است.
۵. جمعیت کل حج گزاران در مکه: گذشت که نزد اهل سنت، مشهور آن است که چهل هزار نفر در حجه الوداع در مکه حضور داشتند. بر فرض که این آمار نزدیک به واقع باشد، حال اگر حج گزاران اهالی مکه، یمن و طائف و قبایل مسلمان بادیه نشین را از این چهل هزار نفر کسر کنیم، چیزی حدود پنج هزار نفر برای مدینه و حدود پنج هزار نفر برای قبایل شمالی نجد و نیز قبایلی که حفاصل مدینه تا جحفه بوده و احتمالاً پیامبر را همراهی کرده‌اند، عده قابل قبولی است. باید توجه داشت که مکه، طائف و یمن جمعیت معتنا بهی داشته‌اند. ۹۰

نتیجه

با توجه به موقعیت جغرافیایی غدیر، روشن شد که محور و هسته اصلی حاضران در غدیر، اهالی مدینه و بقیه از قبایل اطراف مدینه و چه بسا قبایل شمالی نجد بوده‌اند. نیز بر اساس مباحثی که درباره جمعیت مدینه گفته شد، معلوم شد که مدینه ظرفیت فرستادن حدود پنج هزار نفر را به مکه داشته است. از این رو با تمسک به روایت عیاشی که پنج هزار نفر از حاضران در غدیر را مدنی می‌داند و هم چنین گزارش جامع الاخبار، به این نتیجه می‌رسیم که حدود پنج هزار نفر از اهالی مدینه و تعدادی نیز از قبایل اطراف در غدیر حاضر بوده‌اند. چنانچه خواهیم روایت ده هزار نفر عیاشی را بپذیریم، باید توجیهی برای پنج هزار دیگر داشته باشیم.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه عبدالحمید آیتی.

٢. ابن اثير، اسدالغابه، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٩ ق.
٣. ابن اثير، عزالدين على، الكامل فى التاريخ، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خليلي، تهران، مؤسسه مطبوعاتي علمي، ١٣٧١.
٤. ابن تيميه حراني، احمد بن عبدالحليم، مجموع الفتاوى، تحقيق عبدالرحمن بن محمد العاصمي النجدى، چاپ دوم: مكتبة ابن تيميه، [بى تا].
٥. ابن جبر، زين الدين على بن يوسف، نهج الايمان، تحقيق سيداحمد حسيني، چاپ اول: مشهد، مجتمع امام هادى عليه السلام، ١٤١٨.
٦. ابن جوزى، ابوالفرج عبدالرحمن بن على بن محمد، المنتظم فى تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، چاپ اول: بيروت، دارالكتب العلميه، ١٩٩٢ م.
٧. ابن جوزى، تذكرة الخواص تمامى الامة بذكر خصائص الانمه، مجمع جهانى اهل بيت، ١٤٢٦.
٨. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه تاريخ، ترجمه محمد پروين گنابادى، چاپ هشتم: تهران، انتشارات علمى و فرهنگى، ١٣٧٥.
٩. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ترجمه محمود مهدوى دامغانى، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ١٣٧٤.
١٠. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابيطالب، قم مؤسسه انتشارات علامه، ١٣٧٩.
١١. ابن طاووس، سيدعلى، اقبال الاعمال، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٧.
١٢. ابن عربى، ابوبكر محمد بن عبدالله، العواصم من القواصم فى تحقيق مواقف الصحابة بعد وفاة النبى صلى الله عليه وآله، تحقيق محب الدين خطيب و محمود مهدى استانبولى، چاپ دوم: بيروت، دارالجيل، ١٤٠٧ ق.
١٣. ابن كثير، البدايه و النهايه، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٧ ق.
١٤. ———، تفسيرالقران العظيم، تحقيق محمد حسين شمس الدين، چاپ اول: بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٩ ق.
١٥. ابن هشام، عبدالملك، السيرة النبويه، تحقيق مصطفى سقا و ابراهيم ابيارى و عبد الحفيظ شلبى، بيروت، دارالمعرفه، [بى تا].
١٦. اربلى على بن عيسى، كشف الغمه، تبريز، كتيبه بنى هاشمى، ١٣٨١ ق.
١٧. انصارى، سراج الدين عمر بن على بن احمد، المقنع فى علوم الحديث، تحقيق عبدالله بن يوسف الجديع، چاپ اول: دارالنشر السعوديه، ١٤١٣ ق.
١٨. عمادالدين محمد بن ابى القاسم طبرى، بشاره المصطفى، تحقيق محمد جواد قيومى، چاپ اول: قم، مؤسسه نشر اسلامى، ١٤٢٠ ق.
١٩. بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، تحقيق سهيل ذكار و رياض زركلى، چاپ اول: بيروت، دارالفكر، ١٤١٧ ق.
٢٠. ابن ماجه، محمد بن يزيد ابوعبدالله القزوينى، سنن، بيروت، دارالفكر، [بى تا].
٢١. بيهقى، ابوبكر بن حسين، دلائل النبوه، ترجمه محمود مهدوى دامغانى، تهران، انتشارات علمى و فرهنگى، ١٣٦١.
٢٢. ثقفى كوفى، ابراهيم بن محمد كوفى، الغارات، ترجمه عزيزالله عطاردى، انتشارات عطارد، ١٣٧٣.
٢٣. حصرمى شافعى، محمد بن عمر بحرق، سيرة النبى المختار، تحقيق محمد عنان نصوح عزقول، چاپ اول: بيروت،

- دارالحاوي، ١٩٩٨ م.
٢٤. حلبى، على بن برهان الدين، السيرة الحلبيه فى سيرة الأمين المأمون، بيروت، دارالنشر - دارالمعرفة، ١٤٠٠ ق.
٢٥. حموى، شهاب الدين ابو عبدالله ياقوت بن عبدالله، معجم البلدان، چاپ دوم: بيروت، دارصادر، ١٩٩٥ م.
٢٦. خصيبى، حسين بن حمدان، الهداية الكبرى، چاپ چهارم: بيروت، مؤسسه بلاغ، ١٤١١ ق.
٢٧. خويى، سيدابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم، مركز نشر آثار شيعه، ١٤١٠ ق.
٢٨. ذهبى، شمس الدين، تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير والاعلام، تحقيق عمر عبدالسلام، چاپ دوم: بيروت، دارالكتاب العربى، ١٤١٣ ق.
٢٩. زرقانى، محمد بن عبدالباقى بن يوسف، شرح على موطأ الإمام مالك، چاپ اول: بيروت، دارالنشر - دارالكتب العلميه، ١٤١١ ق.
٣٠. شعيرى، تاج الدين، جامع الأخبار، قم، انتشارات رضى، ١٣٦٣.
٣١. صالحى شامى، محمد بن يوسف، سبل الهدى والرشاد، تحقيق عادل احمد عبدالموجود، چاپ اول: بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٤ ق.
٣٢. صدوق، محمد بن على، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٤٠٣ ق.
٣٣. طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج، مشهد مقدس، نشر مرتضى، ١٤٠٣ ق.
٣٤. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الامم والملوك، ترجمه ابوالقاسم پاينده، چاپ پنجم، تهران، اساطير، ١٣٧٥.
٣٥. عاصمى مكى، عبدالملك بن حسين، سمط النجوم العوالى فى أنباء الأوائل والتوالى، تحقيق عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٩ ق.
٣٦. عاملى، شيخ حر، وسائل الشيعه، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٩ ق.
٣٧. عراقى، عبدالرحيم بن حسين، التقييد و الايضاح، تحقيق محمد بن عثمان، چاپ اول: بيروت، دارالفكر، ١٩٧٠ م.
٣٨. عظيم آبادى، محمد شمس الحق، عون المعبود شرح سنن ابى داود، چاپ دوم: بيروت، الكتب العلميه، ١٩٩٥ م.
٣٩. عياشى، تفسير عياشى، تحقيق سيدهاشم رسول محلاتى، تهران، چاپخانه علميه، ١٣٨٠ ق.
٤٠. فتال نيشابورى، روضة الواعظين، قم، انتشارات رضى، [بى تا].
٤١. فلاح زاده، محمد حسين، فصلنامه علوم حديث، سال سوم، شماره ٧، بهار ١٣٧٧.
٤٢. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تهران، دارالكتب الإسلاميه، ١٣٦٥.
٤٣. كوفى، ابوالقاسم فرات بن ابراهيم، تفسير، محمد كاظم محمودى، چاپ اول: تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامى، ١٤١٠ ق.
٤٤. كوفى، محمد بن سليمان، مناقب اميرالمؤمنين، تحقيق محمدباقر محمودى، چاپ اول: مجمع احياء الثقافة الاسلاميه، ١٤١٢ ق.
٤٥. مجلسى، علامه محمدتقى، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه وفا، ١٤٠٤ ق.
٤٦. مسعودى، أبوالحسن على بن الحسين، التنبيه و الإشراف، تصحيح عبدالله اسماعيل صاوى، قاهره، دارالصاوى، [بى تا].

(افست قم، مؤسسه نشر المنابع الثقافة الاسلاميه).

۴۷. مغربی، قاضی نعمان، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، [بی تا].

۴۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

۴۹. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاريخ، بور سعید، مکتبه الثقافه الدينيه، [بی تا].

۵۰. واقدی، محمد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونز، چاپ دوم: بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹ق.

۵۱. هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، تحقیق محمود عمر دمیاطی، چاپ اول: بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.

۵۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر، [بی تا].

۵۳. —، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چاپ اول: تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۱.

۵۴. یوسفی غروی، محمد هادی، موسوعة التاريخ الاسلامی، قم، مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.

۱. استاد محمد هادی یوسفی غروی در کتاب موسوعة التاريخ الاسلامی، ج ۳، ص ۶۲۶-۶۲۷ به اختصار روایات مربوط به تعداد حاضران در غدیر را نقل کرده اند.

۲. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۳۹۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۵۰۸؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج ۳، ص ۲۷ و ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۲۰۹.

۳. شیخ صدوق در خصال ضمن بیان ایام هفته و بیان این که هر روز اختصاص به کاری دارد، روز جمعه را روز عید یاد می کند و می نویسد: عید غدیر، روز هجدهم ذی حجه است و آن نیز جمعه بوده است شیخ صدوق، همان، ج ۲، ص ۳۹۵. نویسنده کتاب بشاره المصطفی روز غدیر را پنجشنبه معرفی می نماید. نیز: ابن جبر (نهج الایمان، ص ۱۱۴). روایتی را از سعید خدری آورده که بنابر آن، غدیر روز پنجشنبه بوده است. هم چنین محمد بن سلیمان کوفی (مناقب امیرالمؤمنین، ج ۱، ص ۱۱۸)

روایتی را از ابی سعید خدری نقل می کند که طبق آن، پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را در غدیر جمع کرد و آن روز پنجشنبه بود.

۴. ابوبکر بن حسین بیهقی، دلائل النبوه، ج ۵، ص ۴۴۶؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۷۰۸ و ابن کثیر، تفسیر القرآن

العظیم، ج ۳، ص ۲۵. اینان ذیل آیه اکمال به تفصیل درباره این که عرفه سال دهم جمعه بوده یا خیر بحث کرده اند.

۵. از میان منابع شیعی می توان به: اربلی علی بن عیسی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۲۰ و علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۵۳۴ اشاره نمود.

۶. ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۲۰۹: «الثامن عشر من ذی الحجة عامئذ و كان يوم الأحد بغدير خم تحت شجرة هناك، فبين فيها أشياء. و ذكر من فضل عليّ و أمانته و...»

۷. طبرسی، الاحتجاج، ص ۵۸: «أُتاه جبرئيل عليه السلام على خمس ساعات مضت من النهار.»

۸. قتال نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۱، ص ۹۱.

۹. ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۵۲: «نشهد أنا أقبلنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم من حجة الوداع، حتى إذا كان الظهر خرج رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فأمر بشجرات فشددن، وألقى عليهن ثوب، ثم نادى: الصلاة. فخرجنا فصلينا، ثم قام فحمد الله تعالى وأثنى عليه، ثم قال: يا أيها الناس، أتعلمون أن الله عز وجل مولاي وأنا مولى المؤمنين، وأنى أولى بكم من أنفسكم؟ يقول ذلك مرارا. قلنا: نعم، وهو أخذ بيدك يقول: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه ثلاث مرات.»

۱۰. على بن طاووس، اقبال الاعمال، ص ۴۵۶: «وقد بلغنا غدیر خم فى وقت لو طرح اللحم فيه على الأرض لانشوى.»

۱۱. حسین بن حمدان، خصیبه، الهدایة الكبرى، ص ۱۰۳: «وقد علمت انه كان يوما شديد القيظ يشيب فيه الطفل.»...

۱۲. قاضى نعمان مغربى، شرح الاخبار، ج ۱، ص ۹۹: «وذلك فى يوم ما اتى علينا يوم اشد حرا منه.»

۱۳. اکنون برنامه‌های رایانه‌ای این کار را به راحتی انجام می‌دهند. به عنوان نمونه به نرم‌افزار نورالسیره می‌توان اشاره نمود.

۱۴. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۸۸: «وقال بعض أهل اللغة: الغدير فعيل من الغدر، وذاك أن الإنسان يمرّ به وفيه ماء فربما جاء ثانيا طمعا فى ذلك الماء فإذا جاءه وجده يابساً فيموت عطشا.»

۱۵. همان، ج ۲، ص ۳۹۰.

۱۶. همان.

۱۷. همان.

۱۸. همان، ج ۴، ص ۱۸۸.

۱۹. هر مایل حدود ۱۶۰۰ متر می‌باشد.

۲۰. طبرسی، همان، ص ۵۸: «فرحل فلما بلغ غدیر خم قبل الجحفة بثلاثة اميال.»

۲۱. ابن جوزی، المنتظم، ج ۱، ص ۱۴۶.

۲۲. ابن طاووس، همان، ج ۱، ص ۴۵۵: «فخرج رسول الله صلى الله عليه وآله حتى نزل الجحفة فلما نزل القوم وأخذوا منازلهم أتاه جبرئيل عليه السلام.»

۲۳. ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، الغارات، ج ۲، ص ۵۰۷، پاورقی: «الجحفة بالضم ثم السكون و الفاء، كانت قرية كبيرة

ذات منبر على طريق المدينة، من مكة على اربع مراحل و هى ميقات اهل مصر و الشام، ان لم يمرّوا على المدينة فان مروا بالمدينة فميقاتهم ذوالحليفة و كان اسمها مهيعه و انما سميت الجحفة لان السيل اجتفها و حمل اهلها فى بعض الاعوام و هى الان خراب، و بينها و بين ساحل الجار نحو ثلاث مراحل و بينها و بين اقرن موضع من البحر ستة اميال، و بينها و بين المدينة ست مراحل و بينها و بين غدیر خم ميلان.»

۲۴. متن کامل گزارش بازدید از منطقه غدیر، در فصلنامه علوم حدیث، سال سوم، شماره ۷، بهار ۷۷، ص ۲۳۲ نوشته

محمد حسین فلاح‌زاده آمده است.

۲۵. مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲۶. اهالی مدینه از مسجد شجره محرم می‌شوند که این مسجد نزدیک مدینه واقع شده است، اما کسانی که در منطقه جنوبی

مدینه هستند، در بین راه مدینه به مکه در جحفه محرم می شوند.

۲۷. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۶. متن روایت چنین است: «و فی روایه عن الباقر علیه السلام: لما قال النبی صلی الله علیه وآله یوم غدیر خم بین الف و ثلاثمائه رجل من کنت مولاہ فهذا علی مولاہ...»

۲۸. مجلسی، همان، ج ۳۷، ص ۱۵۸.

۲۹. فرات کوفی، تفسیر، ص ۵۱: «عن عمار بن یاسر قال: کنت عند ابی ذر الغفاری - رض - فی مجلس ابن عباس - رض - و علیه فسطاط و هو یحدث اذ قام ابوذر حتی ضرب بیده الی عمود فسطاط ثم قال: ایها الناس من عرفنی فقد عرفنی و من لم یعرفنی فقد انبأته باسمی انا جندب بن جناده ابوذر الغفاری سالتکم بحق الله و حق رسوله اسمعتم من رسول الله صلی الله علیه وآله و هو یقول: ما اقلت الغبراء و لا اظلت الخضراء ذا لهجة اصدق من ابی ذر؟ قالو: اللهم نعم. قال: فتعلمون ایها الناس ان رسول الله صلی الله علیه وآله جمعنا یوم غدیر خم الف و ثلاثمائه رجل یقول: اللهم من کنت مولاہ فعلی مولاہ اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله. فقام رجل فقال: بخ بخ یا بن ابیطالب...»

۳۰. در ادامه، محاسبات صورت گرفته را ذکر خواهیم کرد.

۳۱. ک. عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۳۳۲: «عن عمر بن یزید قال: قال أبو عبد الله علیه السلام ابتداء منه العجب یا ابا حفص لما لقی علی بن ابی طالب، أنه كان له عشرة ألف شاهد لم یقدر علی أخذ حقه، و الرجل یأخذ حقه بشاهدين، إن رسول الله صلی الله علیه وآله خرج من المدینة حاجا و معه خمسة آلاف، و رجع من مکه و قد شیعہ خمسة آلاف من أهل مکه، فلما انتهى إلی الجحفه نزل جبرئیل بولاية علی...»

۳۲. ابن شهر آشوب، همان، ج ۳، ص ۲۶.

۳۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۳۹.

۳۴. همان: «عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ابْتِدَاءً مِنْهُ الْعَجَبُ لِمَا لَقِيَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَنَّهُ كَانَ لَهُ عَشْرَةٌ أَلْفٍ شَاهِدٍ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيَّ أَخْذِ حَقِّهِ وَ الرَّجُلُ يَأْخُذُ حَقَّهُ بِشَاهِدَيْنِ ، أَقُولُ لَعَلَّ الْعَشْرَةَ أَلْفٍ كَانُوا حَاضِرِينَ فِي الْمَدِينَةِ وَ الْبَاقُونَ كَانُوا تَفَرَّقُوا فِي الْبُلْدَانِ.»

۳۵. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۹: «عن صفوان الجمال قال قال أبو عبد الله عليه السلام لقد حضر الغدير اثنا عشر ألف رجل يشهدون لعلی بن ابی طالب علیه السلام، فما قدر علی أخذ حقه، و إن أحدکم یكون له المال و له شاهدان فیأخذ حقه». نیز ر. ک: مجلسی، همان، ج ۳۷، ص ۱۳۹.

۳۶. شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۰.

۳۷. ابن جبر، همان، ص ۱۲۲.

۳۸. طبرسی، همان، ج ۱، ص ۸۳: «... حج مع رسول الله من أهل المدینة و أهل الأطراف و الأعراب سبعین ألف إنسان أو یزیدون علی نحو عدد أصحاب موسی السبعین ألف الذین أخذ علیهم بیعة هارون فنکثوا و اتبعوا العجل و السامری و كذلك أخذ رسول الله صلی الله علیه وآله البيعة لعلی بالخلافة علی عدد أصحاب موسی فنکثوا البيعة و اتبعوا العجل و السامری سنه بسنه و مثلاً بمثل...»

۳۹. از جمله راویان در سند این روایت محمد بن موسی همدانی است که سخن مرحوم آیت الله خویی درباره اش چنین است:

- «قال النجاشي ضعفه القميون و كان ابن الوليد يقول انه كان يضع الحديث». هم چنین نقلی از صدوق می آورد که: «خبر صلاة يوم غدیر خم و الثواب المذكور فيه لمن صامه، فان شيخنا محمد بن الحسن كان لا يصححه و يقول انه من طريق محمد بن موسى الهمداني و كان غير ثقة كذاباً» (ر.ک: خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۲۹۷).
۴۰. ابن جبر، همان، ص ۱۲۲.
۴۱. عبدالملک بن حسین عاصمی مکی، سمط النجوم العوالی، ج ۲، ص ۳۰۵.
۴۲. همان.
۴۳. سبط ابن جوزی، تذكرة الخواص، ج ۱، ص ۲۶۶. وی می نویسد: «و جمع الصحابه و هم كانوا مئة و عشرين الفا.»
۴۴. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳.
۴۵. همان، ج ۲، ص ۱۷۷.
۴۶. همان، ص ۲۰۱.
۴۷. همان، ج ۸، ص ۱۹۸.
۴۸. طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۳، ص ۱۱۱۱.
۴۹. عبدالملک بن حسین عاصمی مکی، همان، ج ۲، ص ۳۰۵.
۵۰. محمد بن عبدالله أبوبکر بن العربی، العواصم من القواصم، ج ۱، ص ۲۵۵.
۵۱. حلبی، السیرة الحلبیه، ج ۳، ص ۳۰۸.
۵۲. در ادامه متن روایت را می آوریم و بدان استناد خواهیم کرد.
۵۳. به دلیل شدت سختی از آن به «جیش العسره» یاد می شود (انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۵؛ البدء و التاريخ، ج ۴، ص ۲۳۹ و التنبيه و الاشراف، ص ۲۳۵).
۵۴. احمد عبدالحلیم ابن تیمیه حرانی، مجموع الفتاوی، ج ۱۱، ص ۲۷۵: «وملاً أوعیه العسکر عام تبوک من طعام قليل ولم ينقص وهم نحو ثلاثين الفا ونبع الماء من بين اصابعه مرات متعددة حتى كفى الناس الذين كانوا معه.»
۵۵. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۴.
۵۶. واقدی، مغازی، ص ۱۴۹.
۵۷. طبری، همان، ج ۳، ص ۹۴۷.
۵۸. همان، ص ۱۱۹۷.
۵۹. ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۳، ص ۷.
۶۰. در کتاب های تاریخی عباراتی از این قبیل می توان یافت: «معید درس فلان» یا «معید فی المدرسة فلان.»
۶۱. منطقه ای حدود ۶۰ کیلومتری شمال غربی مکه.
۶۲. ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۴، ص ۳۴.
۶۳. همان.
۶۴. طبری، همان، ج ۳، ص ۱۱۹۳. واقدی می نویسد: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله موضوع جنگ را آشکار فرمود میان

مسلمانان اهل بادیه و اطراف مدینه کسی را گسیل فرمود و پیام داد: هر کس به خدا و روز رستاخیز معتقد است باید که ماه رمضان در مدینه حاضر باشد و به هر ناحیه، رسولی گسیل داشت آن چنان که قبایل اسلم، غفار، مزینه، جهینه و اشجع در مدینه جمع شدند و آن‌ها و اعراب دیگر از مدینه بیرون آمدند، ولی بنی سلیم در قدید به پیامبر پیوستند. واقدی، المغازی، ص ۶۱۱.

۶۵. البته ابن اثیر در الکامل این جمعیت را سه هزار و پانصد نفر نقل می‌کند ابن اثیر، الکامل، ج ۷، ص ۲۸۹.

۶۶. واقدی، همان، ص ۶۱۲.

۶۷. ابن عباس گوید: پس از آن پیامبر راه سفر گرفت ... و ده هزار کس از مسلمانان همراه وی بود، مردم سلیم و مزینه آمده بودند و از هر قبیله تعدادی مسلمان آمده بود. همه مهاجر و انصار با پیامبر آمده بودند و هیچ کس از آن‌ها به جای نمانده بود. ر.ک: طبری، همان، ج ۳، ص ۱۱۸۰.

۶۸. توبه ۹ آیه ۲۵.

۶۹. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۲۶؛ مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص ۲۳۵؛ واقدی، همان، ج ۳، ص ۱۰۴۱؛ ابن کثیر، البدايه و النهايه، ج ۵، ص ۷؛ مقدسی، البدء و التاريخ، ج ۴، ص ۲۳۹ و صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد، ج ۹، ص ۴۴۳.

۷۰. شرح سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۲۱: «وقد بلغوا في غزوة تبوك التي آخر غزوات النبي صلى الله عليه وآله مئة الف.»

۷۱. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۰۴.

۷۲. می‌توان به کتاب ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۵۶۱ به بعد اشاره کرد. نیز کتاب‌هایی نظیر الاصابه و اسد الغابه ذیل نام برخی از افراد که در وفدی حضور داشتند.

۷۳. مطهر بن طاهر مقدسی، همان، ج ۵، ص ۱۵۲ و نیز ر.ک: علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۵۷.

۷۴. نگارنده تأکید می‌کند که این تعداد جمعیت نیز با نگاهی خوشبینانه است و به نظر می‌رسد مدینه در زمان وفات پیامبر کمتر از اینها جمعیت داشته است. به عبارتی، روایات و قراین ما را به چنین نتیجه‌ای می‌رساند.

۷۵. « ۷۵. روی أبو بكر الساجی فی مناقب الشافعی عن محمد بن عبدالله بن عبد الحکم قال أنبأنا الشافعی قال قبض الله رسول الله صلى الله عليه وآله والمسلمون ستون ألفا ثلاثون بالمدينة وثلاثون ألفا في قبائل العرب وغير ذلك وهذا إسناد جيد»

عبدالرحيم بن الحسين عراقی، التقييد و الايضاح، ج ۱، ص ۳۰۶.

۷۶. حلبی، همان، ج ۳، ص ۳۰۸.

۷۷. ابن شهر آشوب، همان، ج ۱، ص ۹۱.

۷۸. « ۷۸. و كان الجيش ألفا و خمسمائة» ابن سعد، همان، ج ۲، ص ۸۱.

۷۹. شعیری، همان، ص ۱۰.

۸۰. عیاشی، همان، ج ۱، ص ۳۳۲.

۸۱. ابن کثیر، البدايه و النهايه، ج ۵، ص ۱۳۷: «وقد كان معه عليه السلام في حجة الوداع قريب من أربعين ألفا» سراج‌الدین

- عمر بن علی بن احمد انصاری، المقنع فی علوم الحدیث، ج ۲، ص ۴۹۷ و سیرة النبی المختار، ج ۱، ص ۷۷: «وفی السنة العاشرة حج حجة الوداع وحج بأزواجه كلهن وبخلق كثير فحضرها من الصحابة أربعون ألفا رضی الله عنهم.»
۸۲. السیرة الحلبيہ، ج ۳، ص ۳۰۸.
۸۳. زرقانی، شرح زرقانی، ج ۲، ص ۳۴۱: «عن عائشة أن رسول الله عام حجة الوداع خرج إلى الحج في تسعين ألفا». السیرة الحلبيہ، ج ۳، ص ۳۰۸.
۸۴. حلبي، همان، ج ۳، ص ۳۰۸.
۸۵. همان.
۸۶. همان.
۸۷. محمد شمس الدين عظیم آبادی، عون المعبود، شرح سنن ابی داود، ج ۵، ص ۲۵۳.
۸۸. البته با تسامح می توان گفت که عیاشی و فرات، هم عصر بوده اند. اگرچه تاریخ وفات فرات کوفی مشخص نیست.
۸۹. ابن شهر آشوب، همان، ج ۳، ص ۲۶ و شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۳۹.
۹۰. گذشت که شرح الاخبار دوازده هزار نفر از حاضران در غدیر را از اهل یمن گزارش کرده است